

بسم الله الرحمن الرحيم

اشاره

از ابتدای بحث زیست‌فناوری اشاره شد که محور اصلی بحث در این فصل «جواز استخدام فرآیندها و فنون زیست‌فناورانه در قلمرو بهداشت و درمان» است. و باید ذیل هریک از محورها مسائل آن را معین کنیم. نمونه‌هایی از سوال‌ها را طرح کردیم اما به جهت این که هنوز به چهارچوبی برای ترتیب و ساختاربندی مباحث این فصل دست نیافته بودیم وارد محوربندی و دسته‌بندی و ساختاربندی فروع و مسائل فصل نشدیم؛ بلکه اولین بخش از مباحث مربوط به این فصل را که قدر متیقن بود-یعنی بحث جواز- باید راجع به آن بحث شود سپس به طرح مباحث مربوط به سایر محورهای قابل طرح در این فصل بپردازیم.

همان‌طور که در فصل قبلی درباره «پژوهش و دانش‌ورزی در زمینه زیست‌فناوری» اجمالاً بحث کردیم که آیا پژوهش و دانش‌ورزی در زمینه زیست‌فناوری فی الجمله مباح است یا خیر، اگر آنجا منتج به اثبات «عدم جواز» می‌شد قهراً نوبت به سایر فروع و مسائل نمی‌رسید. در این فصل نیز همین مطلب مطرح است؛ گفته شد موضوع این فصل بعد بحث از «اباحه پژوهش و دانش‌ورزی در زمینه زیست‌فناوری» است. باید پرسیم که آیا استخدام این فرآیندها و فنون زیست‌فناورانه در قلمرو طب و صحت و بهداشت و درمان جایز است یا خیر. این فصل را به این جهت شروع کردیم که مبتلابه و مهم است.

ما تا این جا ۵ دلیل بر اثبات جواز اجمالی کاربرست فنون و فرآیندهای زیست‌فناورانه در قلمرو بهداشت و درمان اقامه کردیم.

بیان محورهای فصل استخدام زیست‌فناوری در حوزه بهداشت

بعد از فصل نخست که «جواز استخدام زیست‌فناوری در حوزه بهداشت و درمان» بود باید به این محورها بپردازیم. در هر محوری هم باید چند پرسش را پاسخ دهیم که اجمالاً به آن‌ها اشاره می‌کنیم. بعد از فصل اول هر محور را در ذیل یک فصل طرح خواهیم کرد.^۱

^۱ لزوم تبیین محاور البحث الأصلية لهذا الفصل (فصل استخدام التكنولوجيا الحيوية في صعيد الصحة و الطب)، و تفریع فروع کل من المحاور و تفصیل مسائل کل منها، وفق المنهجية التي اسلفنا البحث فيها، كما ينبغي بنیوة تلك الفروع و المسائل حسب منهجية التبويب التي اقترحناها سابقاً.

محور اول جواز استخدام تکنولوجیه الحیویه فی صعيد الصحه و الطب إجمالاً

این فصل مورد بحث قرار گرفت و ذیل هر محوری که تحت عنوان یک فصل مستقل قرار گیرد حداقل باید به این چند مطلب و مسئله پاسخ بدهیم:

۱- پرسش اول تبیین عنوان محور و پرسش‌های فقهی قابل طرح اجمالاً:

اول خود محور را توضیح بدهیم. مراد از جواز یا عدم جواز کاربرد فنون و فرآیندهای زیست‌فناورانه در قلمرو بهداشت و درمان چیست؛ همچنین، اجمالاً چه پرسش‌های فقهی ذیل آن قابل طرح است.

۲- پرسش دوم جواز یا عدم جواز به مثابه حکم اولی و دلایل آن^۲: بحث از جواز یا عدم آن در صورتی که حکم اولی باشد و حکم آن به چه صورت می‌شود؟

۳- پرسش سوم تحلیل جواز به مثابه حکم ثانوی: چنانچه در حکم اولی مبنای «عدم جواز» را در هریک از این محورها -مثلاً در محور اول یعنی اثبات جواز اجمالی کاربرد فنون و فرآیندهای زیست‌فناورانه در حوزه بهداشت و درمان- اتخاذ کنیم به مثابه حکم ثانوی وضعیت چگونه است؟ آیا می‌توان گفت به مثابه حکم ثانوی مجاز است؟ یا به عنوان حکم ثانوی نیز مجاز نیست؟ و احیاناً ادله هریک از دو احتمال چیست؟

۴- پرسش چهارم عدم جواز به مثابه حکم ثانوی و ادله آن: احتمال جواز به مثابه حکم ثانوی و ادله آن، احتمال عدم جواز به مثابه حکم ثانوی و ادله آن. بنابراین ذیل هریک از محورهایی که الان یک به یک به آن‌ها اشاره خواهیم کرد این پرسش‌ها طرح خواهد شد.

محور دوم نکاح ، نطفه و بارداری^۴

محور دومی که باید در این فصل مورد بحث قرار گیرد بحث از مسائل «انعقاد نطفه و پدیدآمدن جنین و حمل» است؛ از همان پایگاه و زاویه زیست‌فناوری و کاربرد فنون و فرآیندهای زیست‌فناورانه. ذیل همین محور دوم هم قهراً آن چهار پرسش باید مورد طرح و بحث قرار بگیرند.

^۲تقریر العنوان و تسائلاته الفقهیه إجمالاً

^۳الجواز و عدمه بالحکم الأولى و أدلته

^۴فی ما يتعلق بالنطفه و النکاح و یلیه البحث عما یرتبط بالحمل

محور سوم پیوند عضو^۵

آیا کاشت عضو جایز است یا نیست؟ آیا الحاق عضو جایز است یا نیست؟ این جا دو بحث مطرح است: «اعمال فرآیندهای زیست فناوریانه و ایجاد عضو قطع شده یا فاقد عضو» و «پیوند عضو». کاشت عضو و پیوند عضو بحث است که این مسئله مهم و مورد ابتلاء است و محور عمده‌ای قلمداد می‌شود. ذیل این محور هم طبعاً باید پرسش‌های اربعه را مطرح کنیم؛ باید بگوییم آیا مثلاً کاشت عضو از رهگذر کاربرد فرآیندهای زیست فناوریانه جایز است یا نه و حکم اولی آن چیست و آیا به تعبیری ترمیم عضو مُجاز هست یا نیست، پیوند عضو مُجاز هست یا نیست. مخصوصاً جایی که به کاربرد فنون و فرآیندهای زیست فناوریانه مربوط می‌شود. البته این پرسش‌ها و محورها و مطالب گاهی می‌تواند خارج از موضوع مباحث کنونی ما باشد یعنی بعضی پرسش‌ها به مناسبت ممکن است مطرح شود و به اجمال هم به آن بپردازیم ولی از نوع مباحث زیست فناوریانه قلمداد نشود.

طرح سوالات مربوط به پیوند عضو

بعد از بحث رویاندن، کاشتن، ترمیم و پیوند، تبعاً می‌تواند پرسش‌هایی از این قبیل هم مطرح شود که آیا مثلاً قطع عضو به هر شکلی از موجود زنده محترم به رضای او و پیوند آن به فرد دیگر ممکن است؟ آیا مُجاز هستیم از میت محترم به همین منظور عضوی را قطع کنیم؟ آیا می‌توانیم عضو فرد مهدور الدم را قطع کنیم؟ کسی محکوم است و دقایق دیگری به جهت قصاص اعدام خواهد شد یا رَجَم خواهد شد آیا در این حالت که همه اعضاء و جوارح او از بین خواهد رفت مُجاز هستیم که با رعایت همه جهات -مثل اینکه بیهوش یا بی‌حس شود تا اذیت نشود- تا زنده هست دست را قطع کنیم تا بتوانیم به یک فرد دیگری پیوند بزنیم؟

باز سوال مرتبط در ذیل این فص و محور این است که آیا می‌توانیم عضو فردی که دچار مرگ مغزی شده است را قطع کنیم؟ مثلاً اطباء از بهبود و بازگشت فردی که دچار مرگ مغزی شده است قطع امید کردند؛ آیا می‌توانیم عضو او را قطع کنیم؟ اصل نفس قطع کردن عضو یک سوال است.

این مسائل هرچند ممکن است در مواردی رأساً جزء اعمال و استخدام فنون و فرآیندهای زیست فناوریانه قلمداد نشود اما پرسش‌های مرتبطی است که بسا ذیل این محور باید به آن‌ها پاسخ گفت و ما باید ذیل همین محور آن چهار پرسش را جواب بدهیم.

محور چهارم همانندآوری^۶

مشابه‌سازی، کلونینگ. پرسش‌های مهم فقهی ذیل این محور هم قابل طرح است و از مهم‌ترین محورهای مباحث این فصل همین محور قلمداد می‌شود. آیا جایز است ما از شیوه‌های دیگری جز از شیوه نکاح و لقاح به زایش و پدید آمدن موجود زنده مخصوصاً انسان دست بزنیم؟ مثلاً با فرآوری و بارآوری سلول‌های بنیادی یک موجود زنده را از نبات، حیوان و انسان پدید بیاوریم؛ و امروزه مورد ابتلاء است. فرض کنید جنینی را به وجود می‌آورند که از سلول‌های بنیادی او می‌خواهند استفاده کنند. آیا این جایز است یا نه؟ آیا می‌توان سلول‌هایی که به وجود آوردیم را از بین ببریم؟ آیا بین جنین طبیعی و جنین آزمایشگاهی در این جهات تفاوت است یا خیر؟ از این قبیل سوال‌ها هم ذیل این محور مطرح می‌شود.

^۵فی ما يتعلق بالترقیع و... العضو

^۶فی ما يتعلق بالاستنساخ

محور پنجم مسائل مربوط به جنین و احکام آن

آنچه که مربوط به جنین و تجزیه و تفکیک سلول‌ها می‌شود. این هم یک محور بسیار پر اهمیت و قابل بحثی است.

محور ششم تغییر صفات به وسیله زیست‌فناوری

اقداماتی که با کاربری فنون و فرآیندهای زیست‌فناورانه برای تغییر صفات و خصائل موجودات زنده صورت می‌بندد. و از مهم‌ترین تغییر صفات -مثلاً در خصوص انسان- تغییر جنسیت است؛ در چه شرایطی ممکن است مجاز باشد و در چه شرایطی مجاز نباشد و عوارض مترتب بر آن موجب سوال‌های بسیاری است که باید پاسخ پیدا کند.

محور هفتم امور آزمایشگاهی و تشخیص

پرسش‌های زیادی در این قسمت که بسیاری از آن‌ها در پیوند با مباحث زیست‌فناورانه و زیست‌فناوری است قابل طرح است زیرا در مطالعات مرتبط با این عنوان با مسئله بسیار مهمی مانند DNA سر و کار داریم. پرسش‌های این محور اجمالاً آن است که آیا دستیابی به [اطلاعات] DNA مجاز است یا خیر. اطلاع از اسرار ژنومی آحاد بشر جایز است؟ آنچه از اسرار هر فرد یا حتی نژادی از رهگذر مطالعه ژنوم انسانی به دست بیاید اسرار گرانمایی است و اگر چنین اسراری به دست رقیب و خصیم آن فرد یا قوم و نژاد بیفتد می‌تواند برای آن‌ها بسیار خطرناک باشد.

صرف اینکه دیگران از اسرار ژنومی اشخاص یا اقوام اطلاع پیدا کنند یا چنین اطلاعاتی از آنها به دست آید و به دیگران منتقل شود این چه احکامی دارد؟ و اگر دیگران به وسیله افشاء به این اسرار آگاه شدند و این فرد یا افراد لطماتی بخورند حکمش چیست؟ دشمن با استفاده از این اطلاعات افشاء شده اقداماتی علیه فرد و علیه اشخاص و علیه یک قوم و نژادی بکند چه احکامی بر آن مترتب است؛ البته شرایط و وضعیت‌ها متفاوت می‌شود و با فرض حالات و وضعیت‌های مختلفی این پرسش باید پاسخ داده شود.

آیا در مسائل آزمایشگاهی بیمار باید از آنچه به دست می‌آید آگاه بشود یا نشود؟ کسی آزمایش می‌کند، به اطلاعاتی راجع به آن فرد دست پیدا می‌کند؛ آیا لازم است این اطلاعات را به خود آن فرد منتقل کند؟ آیا این اطلاعات به شدت باید محرمانه بماند؟ آیا این فرد می‌تواند این اطلاعات را به دیگران یا به نهادها و دستگاه‌های بیمه‌گر منتقل کند؟

محور هشتم درمان^۷

در معالجات بحث‌های بسیاری قابل طرح است مثل درمان یک بیماری صعب‌العلاج در گرو نقل ژن انسانی به انسان دیگر باشد؛ انتقال ژن از انسانی به انسان دیگر جایز هست یا نیست؟ انتقال ژن حیوانی به انسان جایز هست یا نه؟ مخصوصاً زمانی که از ژن حیوان حرام گوشتی بخواهیم استفاده کنیم؛ مثلاً ژن خوک را بخواهیم به انسان منتقل کنیم. البته باید تذکر داد اهل فن قائلند بحث «انتقال ژن» امروز به معنای انتقال فیزیکی نیست. احیاناً فرمول آن ژن را در فرد ثانی استفاده می‌کنیم. در هر حال اگر فرض کنید اصل انتقال ژن مجاز باشد آیا انتقال ژن حیوانی به انسان، ژن انسانی به حیوان، ژن حیوان حرام گوشت و نجس‌العین به انسان چه حکمی دارد؟ آیا با لحاظ {الأهمُّ فالأهمُّ} ممکن است نسبت به افرادی که تحت معالجه هستند از طریق نقل ژن عواقبی را متوجه

^۷فی ما يتعلق بالعلاج

آن فرد کرد؟ و آیا آن عواقبی که می‌تواند متوجه فرد بشود این عواقب را ما باید لزوماً به فرد موضوع و تحت معالجه منتقل بکنیم و آیا موظف هستیم یا موظف نیستیم؛ در چه شرایطی موظف هستیم و در چه شرایطی مکلف نیستیم؟

محور نهم دارو

از محورهای بسیار مهم است. فنون و فرآیندهای زیست‌فناورانه امروزه کاربرد بسیار گسترده‌ای در زمینه تولید و مصرف دارو دارد که قبلاً به آن اشاره کردیم.

محور دهم حیوانات^۸

در هر صورت دامپزشکی و مسائلی در زمینه زیست‌فناوری از آن مطرح می‌شود. این جا هم پرسش‌های بسیار و گوناگونی مطرح هستند که ما از آن عبور می‌کنیم.

محور یازدهم مرگ مغزی

به نظر می‌رسد بحثی به عنوان محور مستقل لازم است در پایان این سلسله محاور مطرح بشود و آن مسئله مرگ مغزی است. گرچه مسئله مرگ مغزی اولاً و بالذات مرتبط با مباحث زیست‌فناوری نیست ولی می‌توان فرض ارتباط کرد؛ مثلاً شخصی دچار مرگ مغزی شده است. با اعمال فرآیندها و فنون زیست‌فناورانه او را بازگردانیم؛ این فرض با مسئله مرتبط می‌شود؛ روزی علم بتواند این گره را باز کند. ولی به هر حال پرسش‌های زیادی راجع به ماهیت مرگ مغزی و احکام فقهی مربوط به مرگ مغزی مطرح است که کمابیش هم بعضی از فضلا به این مسئله پرداختند. این هم محور دیگری است که به نظر ذیل مجموعه محورها که از آن‌ها یاد شد می‌تواند قابل طرح باشد کما بیش مهم و مرتبط با این مسئله است.

و صلّ الله علی محمد و آله الطیبین الطاهرین.

و أمّا محاور البحث الأصلية للفصل، فهي كالتالي

الفصل الأول: استخدام التكنولوجيا الحيوية في صعيد الصحة و الطب، اجمالاً .

الفصل الثاني: في ما يتعلق بالنطفة و النكاح، و يليه البحث عما يرتبط بالحمل استطراداً .

الفصل الثالث: في ما يتعلق بالترقيع و زرع الأعضاء .

الفصل الرابع: في ما يتعلق بالإستنساخ .

الفصل الخامس: في ما يتعلق بالإستئثار (بالفارسية: دوقلوسازی) .

الفصل السادس: في ما يتعلق بتغيير الصفات و الخصائل بنقل الجينات .

الفصل السابع: في ما يتعلق بالإختبار و التشخيص .

^۸فی ما يتعلق بالحيوان (الطب الحيواني)

الفصّ الثامن: فى ما يتعلّق بالعلاج .

الفصّ التاسع: فى ما يتعلّق بالصيدلانيّة و التداوى .

الفصّ العاشر: فى ما يتعلّق بالجراحة التجميليّة (جراحة التجميل / Plastic surgery) و الترميميّة . (نبحث عنها إستطراداً) .

الفصّ الحادى عشر: فى ما يتعلّق بالحيوان (الطبّ البيطرى).

الفصّ الثانى عشر: فى ما يتعلّق بالموت الدماغى (نبحث عنه إستطراداً).